**یک فرمان جالب توجه از شاه طهماسب اول**

**مصطفوی، سید محمد تقی**

در مساجد جامع تمام شهرهای مهم قدیمی ایران چون اصفهان و تبریز و قزوین و استراباد 1 و شیراز و شوشتر و سایر شهرهای عمده فرمانهائی متعدد از شهریاران سلف-خصوصا شاهان سلسله صفویه-حجاری و در محلهای مناسب نصب گردیده است، و این از سنت‏های نیکوی قدیم بشمار میرود که احکام و دستورهای سلاطین را مشتمل بر بخشش مالیات بعضی طبقات و رسوم دیوانی، برای تأیید و تأکید در الواح سنگی یا غیر آن مینوشتند و در مساجد در منظر عامه قرار میدادند، و نگارنده امیدوارم روزی موفق شوم مجموعه‏ای-حتی المقدور کامل-از این گونه فرمانها که خود حاوی اصطلاحات و رسوم ادوار مختلف تاریخی است و مقررات دیوانی و طرز جمع‏بندی و ثبت و ضبط مالیات ونظامات دیگر کشوری کم‏وبیش از مضامین آنها معلوم میگردد جمع‏آوری و تدوین نمایم.اکنون در اینجا یک فرمان جالب توجهی را که از طرف شاه طهماسب اول شهریار صفوی(984-930 هجری)در شبستان بزرگ مسجد جامع تبریز بر دیوار نصب شده عینا نقل مینماید.

(\*)دوست دانشمند آقای حبیب یغمائی اظهار تمایل فرمودند مقالات و اطلاعات مناسبی برای درج در مجله دوست‏داشتنی یغما تقدیم نمایم اینک با فرصت کم متن فرمان بالا را که در تابستان 1327 در مسجد جامع تبریز استنساخ نموده‏ام تقدیم خوانندگان گرامی مجله مفید یغما مینماید.

(1)نام کنونی استراباد گرگان است درصورتیکه محل شهر گرگان قدیم یعنی ویرانه‏های جرجان هیچ ارتباطی با شهر گرگان فعلی ندارد و درحدود 90 کیلومتر فاصله بین آن‏دو میباشد.اگر نظر این باشد که نام شهر باستانی گرگان را از نو زنده کنند مناسب‏تر چنین بنظر میرسد که شهر گنبد قابوس را گرگان بخوانند زیرا شهر اخیر در مجاورت ویرانه‏های جرجان واقع شده چهار کیلومتر با آن فاصله دارد و از متعلقات آن بشمار میرود و در معنی جانشین شهر گرگان اصلی میباشد، و اگر نام گرگان را بشهر جدید گنبد قابوس بدهند بنای مرتفع و تاریخی گنبد قابوس در محل مزبور بهمین اسم باقی می‏ماند و نام بنا و نام شهر هم مشترک و یکی نخواهد بود.

متن فرمان (بخط ثلث برجسته بر لوحه مرمری در 12 سطر)

فرمان قضا جریان شاه ستاره سیاه خاک آستانه خیر البشر مروج مذهب ائمه اثنی عشر غلام امیر المؤمنین علی بن ابیطالب السلطان بن السلطان ابو المظفر شاه طهماسب بهادر خان خلد اللّه ملکه و سلطانه شرف نفاذ یافت آنکه بنا بر رؤیای صالحه که در شب پنجشنبه دوازدهم شهر شعبان اودئیل اثنی و سبعین و تسعمائه حضرت حجة قائم صاحب الامر و الزمان صلوات الرحمن علیه را در واقعه دیدم قامت اشرف آن حضرت بلند و روی‏کشیده و محاسن شریف یک قبضه موی محاسن و شارب خرمائی و چشم و ابروی آنحضرت سیاه و ضعفی در بشره مقدس آنحضرت ظاهر بود چناچنکه گویا ریاضت کشیده‏اند و تاج سفر لا ط ی 1 قرمز بی‏دستار بر سر اشرف داشتند و جامه قلمی آجیده که ظاهرا رنگ آن نخودی بود و بالاپوش قلمی آجیده که غالبا سفید بود پوشیده بودند و جاقشور تیماج زرد در پای بعد از ظهور آنحضرت فی الحال من فریاد کردم کسی نشنید و آنحضرت بعد از بیرون آمدن از دیوار طاق‏بندی که تخمینا طول آن ده ذرع بوده باشد و روی آن ایوان بقبله بود بوجهی که پشت مبارک آنحضرت بجانب میان مغرب و قبله بود منحرف نشستند و کف پایها را نزدیک یکدیگر روبرو بر وجهی که کف بکف نرسیده بود-نهادند پس پیش رفتم و پای راست آنحضرت را میان بند پای مبارک و جای بند جاقشور بوسیدم بعد از آن آنحضرت برخواستند و فرمودند که این تمغاها را که بخشیده بسیار خوب کرده و اظهار خشنودی فرموده فرمودند که تتمه را هم ببخش و فرمودند که ما از تو راضی‏ایم یا از تو راضی میشویم و بیادم نماند که از این دو عبارت کدام فرمودند بعد از آن فرمودند که روزبروز عمرت زیاده میشود و دولتت زیاده میگردد عرض کردم که چون این امر مقبول شماست تتمه تمغاها را هم بخشیدم بعد از آن آنحضرت غایب شد بر وجهی که من ندانستم که چون غایب شدند لا جرم در روز پنجشنبه مذکور حسب الامر آنحضرت صلوات اللّه (1)این کلمه خوانده نمیشود عینا نقل شد.

علیه تتمه تمغاوات جمیع ممالک محروسه آذربایجان و عراق و فارس و خراسان و شیروان و گیلان خصوصا تمغای دار الضرب طلا و نقره که تا غایب بخشیده نشده بود مؤکد بلعنت نامه بخشیدم و ثواب آنرا بحضرات چهارده معصوم صلوات اللّه و سلامه علیهم اجمعین هدیه کردم و ثواب این اهدا را بحضرت صاحب الامر صلوات اللّه علیه هدیه کردم بنابراین باید که ابواب جمع دار السلطنه تبریز و شوارع ارض روم و عراق را که بمبلغ سه هزار و هشتصدو هشتادو پنج تومان و هشتصد دینار در آن ملک جمع است از تاریخ واقعه مذکوره مسدود دانسته اصلا طلبی از هیچ آفریده بنمایند و این بدعت سیئه را در آن ملک بدستور کل ممالک برطرف دانند و مستوفیان عظام دیوان اعلی من بعد در دفاتر سنوات جمع آنرا ننویسند حاکم و اکابر دار السلطنه تبریز مضمون حکم اشرف اعلا را مؤکد بلعنت نامه دانسته یقین دانند که هرکس از مضمون آن تجاوز نموده من بعد بهر صیغه و عنوانی که باشد از آن ابواب چیزی گیرد و هر کس بدان رضا دهد و کسی که بر حقیقت آن مطلع شود معروض ندارد یزید بن معاویه علیهما اللعنه است و آن جماعت را بر وجهی سیاست خواهیم فرمود که باعث عبرت دیگران گردد فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یبدلونه ان اللّه سمیع علیم از جوانب بر اینجمله روند و از فرموده عدول نورزند فی ثالث عشر شهر شوال اودئیل اثنی عشر و سبعین و تسعائه کتبه علاء الدین.

\*\*\* بطوریکه خوانندگان گرامی ملاحظه میفرمایند این پادشاه خیرخواه که دارای سرشتی نیکو و طینتی پاک بوده صورت و هیئت حضرت صاحب الامر علیه السلام را آنطور که در عالم رؤیا دیده بطرز شیوا و جامعی تعریف نموده است و علاوه بر این مطلب که امتیاز خاصی به لوح تاریخی فوق الذکر بخشیده است بسیاری از اصطلاحات دیوانی و اطلاعات مربوط بدفترهای مالیاتی و جمع و خرج مملکتی در طی عبارات مسطور است که بخوبی با بسیاری از مؤسسات کنونی کشور که همان وظایف را عهده دار هستند قابل مقایسه و سنجش میباشد.